

۱۷۸

تذکره

گزیده بیانات
حجت الاسلام والمسلمین خضری

خطبه‌های نماز جمعه ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۳



سازمان مجامع قرآنی



نشریه ذکر جمعه
با هدف انتشار گزیده بیانات
ائمہ جمعہ قزوین در خطبہ‌های نماز
جمعه، ہر ہفتہ بہ صورت الکترونیکی از
طریق شبکہ‌های اجتماعی ستاد نماز
جمعه منتشر می‌گردد.
لازم بہ ذکر است متن بیانات ائمہ
محترم جمعہ، با حذف و اضافات و
ویرایش ہمراہ است و سعی شدہ
است جهت مطالعہ و بہرہ جویی
ہرچہ بہتر مخاطبین گرامی، اہم
محورها ارائہ گردد.

خطبه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ
الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا
قَائِدِنَا وَامَامِ زَمَانِنَا الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ
الْمُضْطَرِّينَ، صَاحِبِ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ وَالْجَبِينِ الْأَزْهَرِ
الَّذِي بِوَجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَبِيَمِينِهِ رُزِقَ
الْوَرَى، الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، الْحُجَّةِ الثَّانِي
عَشَرَ، رُوحي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ.
أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ.

دعوت به تقوا

خودم و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. در روایات ما فرموده‌اند: یکی از نشانه‌های تقوا این است که انسان متقی حق را بیان می‌کند؛ چه له او باشد و چه علیه، چه به نفع او باشد و چه به ضرر او، در هر صورت حق‌گوست و حقیقت را بیان می‌کند.



شهیدان؛ قطب‌نمای جامعه اسلامی

یکی از مهم‌ترین ابزار هدایت اجتماعی این است که شاخصه‌های شهدا و یاد شهدا در جامعه اسلامی همیشه زنده باشد. اگر راه شهید و یاد شهید گم شود، قطب‌نمای جامعه و مسیر جامعه تغییر خواهد کرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در اوج فتنه‌ها و حوادث اصرار داشتند که یاد شهدا را زنده کنند و از شهدا می‌گفتند. این صرفاً فضیلت‌گویی و بزرگ‌کردن نام شهدا نبود. قطب‌نمای جامعه شهدا هستند. در ماجرای حکمیت، همان کسانی که حکمیت را به امیرالمؤمنین علیه السلام تحمیل کرده بودند، به امیرالمؤمنین علیه السلام اعتراض کردند که چرا شما حکمیت را قبول کردید. حضرت علیه السلام در خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه، در شرایط فتنه جنگ صفین و ماجرای حکمیت، از شهدا می‌گویند. من عباراتی را از این خطبه انتخاب کردم. حضرت علیه السلام می‌فرمایند:

أَيُّنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَقَبِلُوهُ، وَقَرَّوْا
الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ، وَهَيَّجُوا إِلَى الْجِهَادِ فَوَلَّوْا وَلَهُ







اللِّقَاحِ إِلَىٰ أَوْلَادِهَا، وَسَلَبُوا السُّيُوفَ أَعْمَادَهَا،
وَأَخَذُوا بِأَطْرَافِ الْأَرْضِ زَحْفًا زَحْفًا وَصَفًّا صَفًّا؛
بَعْضُ هَلَكَ وَبَعْضُ نَجَا، لَا يُبَشِّرُونَ بِالْأَحْيَاءِ وَلَا
يَعَزُّونَ عَنِ الْمَوْتَى، مُرَّةُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ، خُمُصُ
الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ، ذُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ، صُفْرُ
الْأَلْوَانِ مِنَ السَّهْرِ، عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ غَبْرَةٌ الْخَاشِعِينَ.
أُولَئِكَ إِخْوَانِي الذَّاهِبُونَ، فَحَقٌّ لَنَا أَنْ نَنْظُمًا إِلَيْهِمْ
وَنَعَضَّ الْأَيْدِي عَلَىٰ فِرَاقِهِمْ.^۱

((أَيُّنَ الْقَوْمُ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَقَبِلُوهُ،)): كجایند
آن ها که به اسلام دعوت شدند و اسلام را پذیرفتند؟
این قدم اول بود. ((وَقَرَّعُوا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ)): كجایند
آن کسانی که اهل قرآن بودند، اهل انس با قرآن
بودند و بالاتر از آن، قرآن را اقامه کردند؟

۱. ترجمه: كجایند آنان که به اسلام دعوت شدند و آن را پذیرفتند، قرآن خواندند و با استقامت به آن عمل کردند، به جهاد ترغیب شدند و مانند شوق شتران شیرده به فرزندانیشان به هیجان آمدند، شمشیرها از نیام کشیدند و دور زمین جنگ را گروه گروه و صف به صف احاطه کردند. بعضی شهید شدند و عده ای نجات یافتند، از زنده ماندن زنده ها خوشحال نمی شدند و بر شهادت شهیدان توقع تسلیت نداشتند، چشمشان از گریه بی نور، شکمشان از روزه لاغر، لبانشان از کثرت دعا خشکیده و رنگشان از بیداری شب زرد بود و بر صورتشان غبار خشوع کنندگان نشسته بود. آنان برادرانم بودند که از دنیا رفتند. سزاوار است که تشنه دیدارشان باشیم و بر فراقشان دست به دندان بگزیم.



شهید بابایی؛ الگوی رهبری جبهه مقاومت

پانزدهم مرداد سالروز شهادت امیر مجاهد اسلام شهید عباس بابایی است. از این شهید یاد کنیم. ان شاء الله این هفته به یاد این شهید بزرگوار هستیم. حقیقتاً عباس بابایی هویت معنوی، معرفتی و فرهنگی قزوین است. ما نتوانستیم در حد این شهید کاری انجام بدهیم، یاد او را [گرامی بداریم] و این الگو را به نسل‌های بعدی معرفی کنیم. ایشان در وصیت‌نامه خود به همسرشان می‌گویند: هر موقع خواستی در مورد چیزی فکر کنی، تنهایی فکر نکن؛ با قرآن فکر کن. بنشین قرآن بخوان. قرآن اندیشه تو را غنی می‌کند.^۱ یعنی برای خودت خیال بافی نکن. گاهی ما می‌نشینیم فکر می‌کنیم؛ [اما] همه خیالات خودمان است. [همچنین] می‌گوید: دختر مرا حتماً در برنامه قرآنی ثبت‌نام کن تا دختر من قرآن آموز شود.

۱. بخشی از وصیت شهید عباس بابایی به همسرش ملیحه حکمت: «ملیحه جان! اگر مثلاً نیم ساعتی فکر کردی راجع به موضوعی، هرگز به تنهایی فکر نکن. حتماً از قرآن مجید و سخنان پیامبران - امامان استفاده کن و کمک بگیر. نترس؛ هرچه می‌خواهی بگو. البته درباره هر چیزی اول فکر کن. هرچه که خواهی در قرآن مجید هست. مبادا ناراحت باشی. همه چیز درست می‌شه. ولی من می‌خواهم که همیشه خوب فکر کنی».



در خاطرات ایشان می‌خواندم که خواهر ایشان می‌گوید: ما جلسهٔ زنانه داشتیم. آتش پخته بودیم. عباس بابایی آخر جلسه آمد و در اتاق کناری نشست. من برای او آتش آوردم. صدای خانم‌ها می‌آمد. خانم‌ها صحبت می‌کردند و از این طرف و آن طرف می‌گفتند. حرف‌های مفیدی نمی‌گفتند. این حرف‌ها به گوش عباس بابایی می‌رسید. قرآن را باز کرد و به خواهرش گفت: برو این آیات را برای آن‌ها تلاوت کن. بگو به جای این حرف‌ها بنشینید قرآن بخوانید و یک آیه قرآن یاد بگیرید. یعنی جلسات شما بیهوده نباشد.

خانم او می‌گوید: در جلسه‌ای ما را دعوت کردند. به ما گفتند یک جلسهٔ ساده است. بعد دیدیم نه، آنجا بزن بکوب است. تا شروع شد، دیدم رنگ او پرید. سریع از جلسه خارج شد. بعد که ما به خانه رفتیم، دیدم بغض کرده و ناگهان بغض او ترکید که چرا من به جلسه‌ای رفتم که خدا راضی نبود. تنها چیزی که عباس بابایی را آرام کرد تلاوت قرآن بود. [قرآن را] باز کرد و همین‌طور اشک می‌ریخت. حتی لحظه‌ای نماند و وقتی صدای آواز و موسیقی آمد، سریع جلسه را ترک کرد.



حضرت علیه السلام می فرماید: «وَهَيِّجُوا إِلَى الْجِهَادِ قَوْلَهُمْ وَوَلَهُ اللَّقَاحِ إِلَى أَوْلَادِهِمْ» این‌ها به جهاد تشویق و دعوت شدند و با اشتیاق به سمت جهاد دویدند؛ مثل شتر ماده‌ای که به سمت فرزندش می‌دود.

«وَسَلَبُوا السُّيُوفَ أَعْمَادَهُمْ»: این‌ها کسانی بودند که هیچ موقع شمشیرهایشان را در غلاف نگذاشتند؛ بلکه غلاف‌ها را بیرون انداختند و شمشیرهایشان همیشه برهنه بود. این کنایه از این است که هیچ موقع تسلیم نشدند و سازش نکردند. یعنی تمام عمرشان مجاهده بود.

«وَأَخَذُوا بِأَطْرَافِ الْأَرْضِ زَحْفًا زَحْفًا وَصَفًّا صَفًّا»: اطراف زمین را صف‌به‌صف گرفتند. امروز که جبهه مقاومت در یمن، لبنان، سوریه، پاکستان، کشمیر و کشورهای مختلف «صفاً صفاً» تشکیل شده است، ثمره مجاهدت عباس بابایی‌هاست. واقعاً شهید بابایی این ظرفیت را دارد که جبهه مقاومت را رهبری کند. جبهه مقاومت نیاز به الگو دارد.

وقتی در [زندگی] شهدا مطالعه می‌کنیم، یکی از کامل‌ترین و دقیق‌ترین الگوها شهید عباس بابایی است.







یکی از دوستان ما می‌گفت: ما به کشمیر رفته بودیم؛ جایی که هفت‌هشت ساعت فقط در خاکی رفتیم و یکپارچه روستاهایی در کوهستان بود. تعجب کردیم. جلساتشان این بود که کتاب عباس بابایی را ترجمه کرده بودند. یک نفر خاطرات را می‌خواند و بقیه انگار روضه می‌خوانند؛ با خاطرات عباس بابایی گریه می‌کردند. همسر عباس بابایی می‌گوید: ما بعد از شهادت عباس بابایی خیلی بی‌قرار بودیم. به شهید اردستانی^۱ گفتیم خواهش می‌کنیم ما این هواپیما را ببینیم؛ هواپیمایی که عباس در آن به شهادت رسید. ایشان فرمود: شما هواپیما را ببینید اذیت می‌شوید؛ [به خاطر] آن گلوله‌هایی که [به هواپیما] برخورد کرده است. اما من به شما بگویم که عباس بابایی را الان کسی نمی‌شناسد. عباس بابایی را پنجاه سال بعد خواهند شناخت که او چه شخصیتی بود. کارگردان سریال عباس بابایی^۲ می‌گفت: نوجوانی به من زنگ زده بود و می‌گفت در خانه ما هیچ‌کس

۱. شهید مصطفی اردستانی (۱۳۲۸ تا ۱۳۷۳)، سرتیپ خلبان نیروی هوایی ارتش

۲. مجموعه تلویزیونی «شوق پرواز» به کارگردانی یدالله صمدی



نماز نمی‌خواند و اعتقاد ندارد. اما من پای تلویزیون نشستم و سریال عباس بابایی را دیدم. الان با دیدن این سریال و آشنایی با این شخصیت، نمازخوان شدم. این ظرفیت بزرگی است.

«خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ»: شکم‌های آن‌ها گرسنه و خالی بود؛ چون همیشه اهل روزه بودند. رفیق عباس بابایی می‌گوید: قبل از انقلاب سال ۵۱ فرمانده پادگان گفته بود هیچ‌کس حق ندارد روزه بگیرد، دزفول و تابستان و ماه رمضان و تمرین‌های هوایی سنگین؛ به‌ویژه می‌دانست عباس بابایی روزه می‌گیرد. به من می‌گفت حتماً عباس بابایی صبحانه بخورد و بعد پرواز کند. من به عباس بابایی گفتم: «دستور دادند تو صبحانه بخوری؛ ما ببینیم.» عباس بابایی گفت: «من می‌آیم در اتاق شما می‌نشینم. فکر می‌کنند من صبحانه خوردم.» می‌آمد در اتاق ما می‌نشست و فرماندهان فکر می‌کردند آمده است صبحانه بخورد.

امیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرماید: «ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ، صُفْرُ الْأَلْوَانِ مِنَ الشَّهْرِ»: اهل دعا بودند،



دهانشان از ذکر خشک می‌شد و چهره‌هایشان از شب‌زنده‌داری زرد بود. «عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ غَبْرَةٌ الْخَاشِعِينَ»؛ اهل تکبر نبودند. وقتی آن‌ها را نگاه می‌کردید، خیلی ساده بودند.

مادرش می‌گوید: از مدرسه پیام دادند ما اسم عباس بابایی را جزء دانش‌آموزان بی‌بضاعت نوشتیم. به قدری لباس‌های ساده می‌پوشید که همه فکر می‌کردند از فقرای مدرسه است. همیشه لباس‌هایش را خودش می‌شست. همان لباس ساده‌ای که داشت [می‌پوشید؛] با اینکه ما برای او خیلی لباس می‌خریدیم.

خادم دفتر حضرت آیت‌الله صدوقی^۱ می‌گفت: عباس بابایی از اصفهان به یزد، خدمت حضرت آیت‌الله صدوقی می‌آمد. استاد او حضرت آیت‌الله صدوقی بود. به یزد می‌آمد، استفاده معنوی می‌کرد، تذکر می‌شنید و برمی‌گشت. اولین باری که عباس بابایی را دیدم، فکر کردم کارگر است. فکر نمی‌کردم فرمانده پایگاه شکاری اصفهان است. واقعاً با تیپ

۱. آیت‌الله شهید محمد صدوقی (۱۲۸۸ تا ۱۳۶۱)، نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد، چهارمین شهید محراب



و قیافه او و موهایش که همیشه می‌زد، کسی باور نمی‌کرد فرمانده عملیات نیروی هوایی شخصی است که ذره‌ای تکبر در صورت، لباس و راه رفتن او وجود نداشت. این آدم‌ها مصادیق عینی نهج البلاغه هستند که ما در انقلاب اسلامی آن‌ها را دیدیم. سال‌ها از [فرمایش] نهج البلاغه گذشت و این‌ها را در صحنه عمل دیدیم.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾.



خطبه دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى
مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا قَائِدِنَا وَآمَامِ زَمَانِنَا
رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِثُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ، وَصَلِّ
عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ
مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ
بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلْفِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ
وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ.
أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ.

دعوت به تقوا

خودم و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. امام
جواد علیه السلام فرمودند:



«مَنْ اشْتَعْنَى بِاللَّهِ إِفْتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ، وَمَنْ اتَّقَى
اللَّهَ أَحَبَّهُ النَّاسُ وَإِنْ كَرِهُوا.»^۱

اهل تقوا بين مردم محبوب هستند؛ هرچند برخلاف
ميل خودشان. [زيرا] قاعدتاً همه مردم اهل تقوا را
دوست ندارند؛ اما خدای متعال محبت اهل تقوا
را در دلها می‌اندازد. بعضی هم گفته‌اند: «وَإِنْ
كَرِهُوا» یعنی در ظاهر به اهل تقوا احترام می‌کنند.

خطر سستی و ناامیدی

پس از شهادت شهید اسماعیل هنیه

[در] چند روزی که گذشت و روزهایی که سپری شد،
حادثه تلخ شهادت فرمانده بزرگ و مجاهد جبهه
مقاومت اسماعیل هنیه را داشتیم. ما در حوادث،
ابتلائات و اتفاقات همیشه دسته‌بندی آدم‌ها را
طبق آیات قرآن می‌بینیم. بعضی ناامید و سست
می‌شوند و صحنه را رها می‌کنند. خودمانی بگوییم:

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۳ق، ص ۷۹؛ ترجمه: هرکه خود را به وسیله خداوند بی‌نیاز بداند، مردم
محتاج او خواهند شد و هرکه تقوای الهی پیشه کند، خواه ناخواه مورد محبت مردم قرار می‌گیرد؛ گرچه مردم خودشان اهل تقوا
نباشند.





گزیده بیانات حجت‌الاسلام و المسلمین خضری در خطبه‌های نماز جمعه | ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۳





ظرفیت میدان جهاد را ندارند. یعنی دوست دارند همیشه پیروزی باشد. اگر اتفاقی بیفتد، قاتی می‌کنند و سست و ناامید می‌شوند. در حالی که یکی از مختصات میدان مبارزه این است که ما گاهی پیروز هستیم و ضربه می‌زنیم؛ گاهی ضربه می‌خوریم. هم ما قدرتمند هستیم و هم دشمن ما قدرت دارد. سیل گلایه‌ها و ناامید شدن‌ها و سست شدن‌ها برای این است که ما شناخت کافی از میدان مبارزه و جهاد نداریم. [برای] نسل اول و دوم انقلاب خیلی ملموس بود: از اتفاقات قبل از انقلاب و بعد ترورها که پشت سرهم شخصیت‌های بزرگ شهید می‌شدند. اما برای نسل‌های جدید قدری نامأنوس است. ناگهان می‌گویند هلی‌کوپتر حضرت آیت‌الله رئیسی ناپدید شده است. بعد صبح می‌گویند به شهادت رسید. چهل پنجاه روز می‌گذرد اسماعیل هنیه شهید می‌شود. ما باید صحنه مبارزه را ترسیم کنیم که اصلاً چه صحنه‌ای است.

شناخت کافی از میدان جنگ و پرهیز از ناامیدی

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: ما گاهی شکست می خوردیم و ضربه می خوردیم؛ گاهی هم پیروز بودیم. این مهم بود که خدا صداقت ما را دید و یاری و نصرت خودش را نازل کرد. صداقت چیست؟ صداقت این است که چه در پیروزی‌ها و چه در شکست‌ها، تکلیف و وظایف خودمان را رها نکنیم، سنگر خودمان را خالی نکنیم و محکم به تکلیف خودمان عمل کنیم. البته با نگاه توحیدی جبهه حق هیچ موقع شکست ندارد. برای جبهه مقاومت و جبهه حق، شهادت هم پیروزی است. قرآن می فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

﴿...وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ...﴾: شما برتر هستید. وقتی گفته شده که وقتی در جنگ احد شکست خوردند.

۱. از شکست خوردن در احد، ضعف به خودتان راه ندهید و روحیه‌تان را نپازید؛ چون شما حقیقتاً برترید، به شرطی که واقعاً ایمان داشته باشید (آل عمران: ۱۳۹).



﴿وَلَا تَهِنُوا...﴾ یعنی حق ندارید سست شوید.
 ﴿...وَلَا تَحْزَنُوا...﴾: یعنی حق ندارید محزون شوید. -
 شکست خوردیم! حضرت حمزه شهید شده است!
 دندان مبارک پیامبر ﷺ شکسته است! سست نشویم؟!
 خدای متعال می‌فرماید: حق ندارید سست شوید.
 همه درس‌های قرآنی برای ماست، در دوران اقامه
 حکومت [حق]، قرآن خیلی برای ما عملیاتی شده
 است. در دوران طاغوت خیلی از آیات قرآن فعلیت
 ندارد؛ اما در دوران حکومت حق فعلیت پیدا می‌کند.
 آیه ۱۰۴ سوره نساء [می‌فرماید]:

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۚ إِن تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ
 يَأْمُونَنَ كَمَا تَأْمُونُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ
 وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝﴾

﴿...إِن تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونَنَ كَمَا تَأْمُونُونَ...﴾: [اگر] شما
 درد می‌کشید، اذیت شدید، مجروح شدید، شهید دادید
 و ناراحت شدید؛ آن‌ها هم کشته دادند و ضربه خوردند.

۱. در تعقیب کردن دشمن سستی و کوتاهی نکنید. در این راه، اگر شما رنج و سختی می‌کشید، آن‌ها هم مثل شما رنج و سختی می‌کنند؛ با این فرق که شما از خدا پیروزی و پاداشی امید دارید که آن‌ها ندارند و خدا دانایی کاردرست است.



این طور نیست که فقط شما ضربه خورده باشید. شما ضربه زدید؛ آن‌ها هم زدند. تصور [ما] این است که ای وای من ضربه خوردم. خدا می‌گوید: آن‌ها هم ضربه خوردند. منطق قرآن را ببینیم. می‌فرماید: آن‌ها هم دچار درد شدند. در شأن نزول این آیه آمده است: ابوسفیان بعد از پیروزی احد در بلندی ایستاد و رو به خاتم انبیاء محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ گفت: این انتقام جنگ بدر بود. شما در بدر ما را زدید؛ حالا خوردید.

قرآن می‌فرماید: ﴿...إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونًا كَمَا تَأْمُونُونَ...﴾: آن‌ها درد دیدند و ضربه خوردند؛ شما هم خوردید. یک بار آن‌ها پیروز شدند؛ یک بار شما پیروز شدید. ﴿...وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ...﴾: اما شما به چیزی امید دارید که آن‌ها امید ندارند. شما خدا را دارید. شما نقطه امیدبخش مهمی دارید و آن هم نصرت خداست.



وعدۀ صادق هیمنه اسرائیل را نابود کرد



در جنگ بزن بزن است. آدم‌هایی که ظرفیت این صحنه را ندارند، سریع به خودی‌ها حمله می‌کنند و می‌گویند: چرا باید این‌طور شود؟ فقط می‌گویند چرا. بله، آن کسی که مسئول این کار است باید بررسی کند. [اگر] نقطه ضعفی بوده است، باید برطرف شود. اما فضای مجازی و فضای گفت‌وگوها ناگهان همه به این سمت می‌رود که چرا این اتفاق افتاده است. شما زدید؛ توقع دارید او دست روی دست بگذارد؟ ما وعدۀ صادق، بزرگ‌ترین عملیات پهبادی دنیا را انجام دادیم، آبروی اسرائیل را بردیم و هیمنه او را فروریختیم. توقع داریم سکوت کند و دست بردارد؟ جنگ است! زمان جنگ شهرهای ما را می‌زدند؛ ما هم می‌زدیم. البته ما شهرهای آن‌ها را نمی‌زدیم؛ ما خود بعضی‌ها را می‌زدیم.

اثر وعدۀ صادق این است که نیروی هوایی اسرائیل که یکی از پیشرفته‌ترین نیروهای هوایی است، سامانه آمریکایی پاتریوت را کنار گذاشت؛ چون دید



پاتریوت نمی‌تواند جلوی ایران مقاومت کند. گفت: «این به درد ما نمی‌خورد. این‌ها موشک‌های بالستیک زدند؛ [ولی] پاتریوت نتوانسته است کاری کند.» اگر آتشبار نیروی هوایی ما ادامه پیدا می‌کرد، تمام موشک‌های فلاخن داود و گنبد آهنین تمام می‌شد؛ آنگاه اسرائیل کاملاً شخم زده می‌شد.

آن کسانی که خودتحقیری می‌کنند و می‌گویند قدرت ما ضعیف است و قدرت امنیتی ما کم است، مصاحبه‌رئیس بخش اطلاعات نظامی اسرائیل را مطالعه کنند؛ می‌گویند: ایران در طول سال‌های گذشته امروز در بهترین و قدرتمندترین شرایط امنیتی خود قرار دارد. مسئول اطلاعات نظامی اسرائیل می‌گوید. بعد اینجا در ایران برخی می‌گویند: «این چه کشوری است؟ این چه امنیتی است؟ کرمان چنین شد.» جنگ است دیگر!

فلسطین را شخم زدند و ده‌ها هزار نفر را به خاک و خون کشیدند. یمن، عراق و جنوب لبنان را زدند؛ اما امنیت ما اجازه نداد آب در دل مردم ایران تکان بخورد. بعد بعضی می‌گویند: امنیت ما کجاست؟





کاری کردند که مردم ایران احساس نمی‌کنند. ما در جنگ هستیم! ما وسط جنگ هستیم! جبهه مقاومت دارد می‌جنگد. سخنگوی ارتش اسرائیل می‌گوید: ایران قدرت این را دارد که خاورمیانه را به آتش بکشد. آن‌ها به قدرت جمهوری اسلامی اقرار می‌کنند. چرا ما خودتحقیری می‌کنیم؟ بعضی در حوزه علم و تکنولوژی، بعضی در حوزه پزشکی، بعضی در حوزه امنیت [و بعضی هم در حوزه صنایع] خودتحقیری می‌کنند. [حال آنکه] ما در صنایع مختلف پیشرفت کردیم و امروز جزء ده کشور برتر دنیا هستیم.

رژیم غاصب اسرائیل باید مجازات شود

قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ...﴾: در پیگیری و مجازات سخت سستی نکنید. آن‌ها زدند، حضرت حمزه به شهادت رسیده است و دندان پیامبر ﷺ شکسته است. شما نباید سستی کنید. لذا تاریخ می‌نویسد: جانبازان جنگ احد بعد از نزول این آیات با لباس خونی در حالی که خون از پایشان می‌چکید، به سراغ سپاه ابوسفیان رفتند. حال که

اسماعیل هنیه را در تهران زدند، شما سستی نکنید.
الان دشمن باید مجازات شود.

تشکر از موضع‌گیری‌های رئیس‌جمهور

چنان‌که رئیس‌جمهور محترم آقای دکتر پزشکیان در پیامی که دادند مقتدرانه گفتند: اسرائیل به خاطر این عمل بزدلانه خودش مجازات خواهد شد.^۱ از رئیس‌جمهور محترم تشکر می‌کنیم که این موضع را گرفتند؛ [همچنین] موضعی که در مراسم تحلیف گرفتند. وقتی در صورت اسماعیل هنیه نگاه می‌کردیم می‌دیدیم که این مرد مجاهد خوشحال بود و چشمان او برق می‌زد، وقتی می‌دید رئیس‌جمهور برگزیده و منتخب ملت ایران امروز با عزت و مقتدرانه از جبهه مقاومت دفاع می‌کند. [این موضع‌گیری] جای تقدیر و تشکر دارد. ان شاء الله دولت جدید موفق باشد. حضرت آقا ظَلَّهٗ مُدَّ فرمودند: موفقیت این دولت موفقیت همه ماست. همه [ما] مردم باید کمک کنیم.

۱. نک: مسعود پزشکیان، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، (پیام رئیس‌جمهور به مناسبت شهادت حاج اسماعیل هنیه)، ۱۰ مرداد ۱۴۰۳: (رژیم صهیونیستی به‌زودی نتایج اقدام بزدلانه و تروریستی خود را خواهد دید).



گزیده بیانات حجت‌الاسلام و المسلمین خضری در خطبه‌های نماز جمعه | ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۳

به‌ویژه امسال حضرت آقا ظلهٔ عالیه فرمودند: «مشارکت مردم در اقتصاد»^۱ بعد دولت را با حضور مردم یاری بدهیم تا بتواند ان شاءالله دولت از این گردنه‌های اقتصادی عبور کند.

نامردی و ترور، روش جنگ اسرائیل

این نکته را هم عرض کنیم که ما دو رویه در مبارزه داریم: یکی رویهٔ نامردانه و ناجوانمردانه است. دولت اسرائیل ناجوانمرد است و عمدتاً روش او این است که مخفیانه ترور می‌کند. یک روش هم روش مردانه و در میدان مبارزه است. وعدهٔ صادق کاملاً آگاهانه بود. به اسرائیل اعلام کردیم که ما می‌خواهیم خاک تو را شخم بزنیم. آماده باش! اصلاً مخفیانه نبود.

بعضی می‌گویند: وعدهٔ صادق چه دستاوردی داشت؟ اسرائیل چند ساعت وحشت‌زده آسمان را تماشا می‌کرد که چه زمانی موشک‌ها و پهپادهای ما وارد فضای اسرائیل می‌شوند. در طول تاریخ اسرائیل چنین اتفاقی نیفتاده بود. ترس و رعب را در

۱. اشاره به شعار سال ۱۴۰۳: «جهش تولید با مشارکت مردم»



دل دشمنان اسلام انداختیم؛ چنان‌که حضرت علیه السلام فرمود: یاران امام زمان علیه السلام در آخر زمان مدت‌ها قبل از اینکه بروند، خوف و ترسشان به آن منطقه می‌رود. یک روش هم روش ناجوانمردانه است که روش اسرائیل نامردی است؛ همین کاری که در تهران انجام دادند به روش نامردی بود.

امام رضی الله عنه بعد از ترورهای سال ۶۱ پیامی دارند که من خلاصه آن را عرض کنم. ایشان می‌فرماید:

گمان نکنید که این‌ها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می‌دهند... این قدرتی نیست. این کمال ضعف است. من ابن ملجم را از این‌ها مردتر می‌دانم؛ برای اینکه او آمد در حضور مردم، کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند. و این‌ها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به‌طور دزدی یک کاری انجام می‌دهند و خودشان را اصلاً ظاهر نمی‌کنند.^۱

خیلی جالب است! امام رضی الله عنه می‌فرماید: من ابن ملجم را مردتر می‌دانم؛ چراکه ابن ملجم مردانه

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه، (سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم)، ۹ شهریور ۱۳۶۰، ج ۱۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۱۳۹.



جلوی مردم در مسجد ایستاد و ضربه به فرق مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام زد. بعد هم او را دستگیر کردند. اما این‌ها این قدر مرد نیستند که در مردم بیایند و خودشان را نشان بدهند. بمب‌گذاری می‌کنند، پهباد می‌آورند و موشک می‌زنند. یعنی همیشه کارهایشان مخفیانه است. امام رضی الله عنه می‌فرماید: من ابن ملجم را از آن‌ها مردتر می‌دانم.

تراز دشمنی و خط دشمنی با اسرائیل را به اشخاص تنزل ندهیم

نکته آخر اینکه تراز دشمنی و خط دشمنی را از رژیم غاصب اسرائیل به اشخاص تنزل ندهیم. یعنی [نباید] بگوییم این کار [صرفاً] دیوانگی نتانیا هو است. ما امروز با رژیم سفاک اسرائیل و حامی او آمریکا مواجه هستیم. این مرد مجاهد در اردوگاه متولد شده و عمرش را در اردوگاه‌ها و سنگرها، در مجاهدت طی کرده است. حال که اسماعیل هنیه را زدند، این [غلط است] که تنزل بدهیم و بگوییم:



ترور او [کار] آدمی به نام نتانیا هو بود. آدم خوبی نبود؛ آدم دیوانه‌ای بود.

زیارت عاشورا و لعن ساختار ظلم

تاریخ درس‌های بزرگی دارد. علمای اهل سنت اکثریت قائل هستند که لعن یزید جایز است؛ به جز چند نفر که یکی از آن‌ها ابن تیمیه^۱ است. ابن تیمیه دو خط را پیگیری کرده است. بعضی از علمای آن‌ها هم این حرف را تکرار کردند؛ اما غالب علمای اهل سنت می‌گویند: لعن یزید جایز است. ابن تیمیه گفت: ۱. امام حسین علیه السلام اشتباه کرد؛ ۲. یزید کاره‌ای نبود. عیدالله دیوانگی کرد. اما در زیارت عاشورا ما بالاتر هم می‌رویم و می‌گوییم: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَكْسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.» یعنی این‌طور نیست که بگوییم عیدالله آمد و تمام شد! همه آن‌ها را لعن می‌کنیم. یزید و آن کسانی که یزید را برای خلافت نصب کردند، آن‌ها را هم در زیارت عاشورا لعن می‌کنیم. یعنی این ساختار باطل را لعن می‌کنیم.

۱. احمد بن عبدالحلیم معروف به ابن تیمیّه خزّانی (قرن ۷ و ۸)، عالم حنبلی‌مذهب و اندیشمند تأثیرگذار سلفی



این دو خط امروز وجود دارد؛ خطی که ابن تیمیه داد: ۱. خودشان اشتباه کردند. از روز اول گفتند: فلسطین اشتباه کرد، غزه اشتباه کرد که به اسرائیل حمله کرد. بعد هم گفتند: این آدم دیوانه است. مبارزه را به فردی به نام نتانیا هو تنزل دادند. یعنی آمریکا را تطهیر می‌کنند و اسرائیل را هم می‌خواهند تطهیر کنند. این خط را باید مراقبت کرد.

ملت مجاهد فلسطین، ملتی که به ظاهر در قفس بود اما آزاده بود، برای حیات و عزت خودش طوفان الاقصی را ایجاد کرد و مقابل آن هم نتانیا هو نیست، رژیم اسرائیل و آمریکا و نظام غرب است. [چنان] که امروز وقتی [نتانیا هو] در مجلس آمریکا سخنرانی می‌کند، همه بلند می‌شوند و بارها او را تشویق می‌کنند. چرا تشویق کردند؟ می‌شود بگوییم دست این‌ها در خون آلوده نیست؟

یاد شهدا را گرامی می‌داریم. این هفته هم اعلام کردند یادواره شهدای ارتش و شهید بزرگوار عباس بابایی ان شاء الله روز دوشنبه برگزار می‌شود. بتوانیم ان شاء الله شهید بابایی را به دنیا معرفی کنیم.



مأموریت قزوین این است که شهید بابایی را به دنیا معرفی کند؛ امروز دنیا تشنه شنیدن از عباس بابایی‌ها است. ان شاء الله بتوانیم در این مسیر قدم بداریم.

دعای پایانی

خدایا! فرج آقای ما را برسان.
ما را از اعوان و انصار او قرار بده.
بر عزت رهبر انقلاب بیفزا.
اسرائیل را نابود بگردان.
خدایا! حاجات این جمع را برآورده بگردان و مشکلات
معیشتی را برطرف بگردان.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾
صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران